



The Right to Be Forgotten and the Protection of Children in the Digital Space in Light of the CJEU’s Landmark Google Spain Judgment

Mohammad Mehdi Seyed Nasseri¹

 0000-0003-0683-0964

Mahmoud Abbasi²

 0000-0002-4223-6818

Abstract

The rise of digital technologies has profoundly reshaped the notions of privacy and human dignity within human rights law, giving rise to the need for redefining the “Right to Be Forgotten” (RTBF). This right, particularly vital for children as the first generation of digital citizens, embodies the capacity to control personal data and to be free from an imposed digital past. Adopting a descriptive–analytical and comparative methodology, this study examines the philosophical, ethical, and legal foundations of the RTBF in light of the Court of Justice of the European Union’s landmark Google Spain judgment (2014) and explores its potential for protecting children online. The central research question asks whether, and to what extent, the RTBF can be implemented in a manner that prioritizes the best interests of the child while maintaining a balance between freedom of expression and human dignity. Findings indicate that the CJEU’s ruling—by recognizing the legal responsibility of search engines to remove irrelevant or harmful data—provides a normative basis for expanding child protection in the digital sphere. Interpreted through Article 16 of the Convention on the Rights of the Child and General Comment No. 25 of the Committee on the Rights of the Child, the RTBF emerges not merely as a technical mechanism for data erasure, but as an essential right ensuring children’s dignity, healthy development, and freedom from imposed digital memories. The paper concludes that the effective realization of this right requires binding international standards, corporate accountability of digital platforms, and child-centered procedures enabling minors to exercise agency over their personal data.

Keywords: Right to Be Forgotten, Children, Human Dignity, Digital Environment, Google Spain Judgment, Child Rights.

1- PhD in International Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Dubai, UAE (corresponding author of the article) sm.snaseri@gmail.com

2- Associate Professor, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran dr.abbasi@sbmu.ac.ir

حق بر فراموش شدن و حمایت از کودکان در فضای مجازی در پرتو رأی تاریخی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا علیه گوگل

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱

محمد مهدی سیدناصری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۹

محمود عباسی^۲

چکیده

تحولات فناوری‌های دیجیتال، مفهوم حریم خصوصی و کرامت انسانی را در عرصه حقوق بشر دگرگون ساخته و ضرورت بازتعریف «حق بر فراموش شدن» را پدید آورده است. این حق، به ویژه برای کودکان که نخستین نسل شهروندان دیجیتال به‌شمار می‌روند، به معنای توانایی کنترل بر داده‌های شخصی و رهایی از گذشته‌ای ناخواسته است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی - تطبیقی و با تمرکز بر رأی تاریخی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده دیوان دادگستری اتحادیه اروپا علیه گوگل (۲۰۱۴)، به بررسی مبانی فلسفی، اخلاقی و حقوقی این حق و ظرفیت‌های آن در حمایت از کودکان در فضای مجازی می‌پردازد. پرسش اصلی پژوهش آن است که آیا و چگونه می‌توان «حق بر فراموش شدن» را در پرتو منافع عالی‌ه کودک به‌گونه‌ای اعمال کرد که میان آزادی بیان و کرامت انسانی توازن برقرار شود؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که رأی دیوان، با شناسایی مسئولیت موتورهای جست‌وجو در حذف داده‌های زیان‌بار یا نامتناسب، مبنایی هنجاری برای گسترش حمایت از کودکان فراهم آورده است. در پرتو تفسیر جدید ماده ۱۶ مقاله‌نامه حقوق کودک و نظر تفسیری شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک، این حق نه صرفاً ابزار حذف داده‌ها بلکه سازوکاری برای تضمین حق کودک بر کرامت، رشد سالم و آینده‌ای آزاد از خطرات دیجیتال تحمیلی است. مقاله نتیجه می‌گیرد که تحقق عملی این حق مستلزم ایجاد چهارچوب‌های الزام‌آور بین‌المللی، مسئولیت‌پذیری سکوها و سازوکارهای شفاف برای اعمال اراده کودک در حذف داده‌های مربوط به خویش است.

واژگان کلیدی

حق بر فراموش شدن، کودکان، کرامت انسانی، فضای مجازی، رأی گوگل اسپانیا، حقوق کودک.

۱. دکترای تخصصی حقوق بین‌الملل، گروه حقوق دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات

sm.snaseri@gmail.com

(نویسنده مسئول)

dr.abbasi@sbmu.ac.ir

۲. استاد، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

تحولات شتابان فناوری‌های ارتباطی و ظهور فضای دیجیتال در دو دهه اخیر، نه تنها الگوهای سنتی زیست اجتماعی و فرهنگی انسان را دگرگون ساخته، بلکه نظام‌های حقوقی را نیز با چالش‌هایی بنیادین در تعریف، شناسایی و حمایت از حقوق بشر مواجه کرده است. در جهانی که مرزهای زمان، مکان و حافظه درهم شکسته‌اند و داده‌های شخصی انسان‌ها در بسترهای مجازی به‌سهولت ثبت، بازتولید و ماندگار می‌شوند، مفهوم حریم خصوصی در معنای کلاسیک خود دیگر پاسخگوی اقتضائات زیست انسانی در عصر داده نیست. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این تحول، پیدایش مفهومی است که امروزه از آن با عنوان «حق بر فراموش شدن» یاد می‌شود؛ حقی که در پاسخ به ضرورت بازتعریف حدود حریم خصوصی، کرامت انسانی و کنترل فرد بر داده‌های مربوط به خویش در فضای دیجیتال شکل گرفته است. حق بر فراموش شدن در اصل پاسخی حقوقی به این پرسش است که آیا انسان حق دارد گذشته‌ای را که بدون رضایت یا برخلاف مصالح کنونی‌اش در حافظه اینترنتی جهان باقی مانده است، از میان بردارد؟ این پرسش در ژرفای خود به مبانی فلسفی کرامت انسانی بازمی‌گردد؛ کرامتی که نه صرفاً در صیانت از بدن، بلکه در توانایی انسان برای بازتعریف خویشتن، اصلاح گذشته و بازسازی آینده متجلی می‌شود. در همین راستا، اندیشه حق بر فراموش شدن در واقع بر بنیاد حق انسان برای کنترل سرنوشت اطلاعاتی خویش استوار است؛ حقی که با اصول مندرج در ماده نخست اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده نخست مقاله‌نامه (کنوانسیون) حقوق کودک ملل متحد همسویی دارد و بر احترام به حیثیت ذاتی انسان تأکید می‌کند.

با این حال، اهمیت این مفهوم هنگامی دوچندان می‌شود که از منظر حقوق کودک بدان نگریده شود. کودکان^۵ به‌عنوان نخستین نسل از «شهروندان دیجیتال»، در شرایطی رشد

۵. از نظر لغوی؛ کودک مترادف با طفل، صغیر، کوچک و فرزند است که به حد بلوغ شرعی نرسیده، آمده است. در فقه؛ کودک به کسی گفته می‌شود که به حد بلوغ شرعی نرسیده است یعنی سن ۹ سال تمام قمری در دختران و ۱۵ سال قمری در پسران. طریحی در مجمع‌البحرین می‌نویسد کودک از لحاظ سنی بین تولد تا احتلام است. در ماده ۱ قانون حمایت از کودک و نوجوان مصوب ۱۳۹۹ کودک را چنین بیان می‌دارد که:

می‌یابند که بخش مهمی از هویت، روابط و تجربیات آنان در بسترهای مجازی شکل می‌گیرد و ثبت می‌شود. محتوایی که در دوران کودکی - چه به دست والدین، نهادهای آموزشی و رسانه‌ای یا حتی خود کودک در فضای اینترنت منتشر می‌شود، می‌تواند تا سال‌ها بر آینده تحصیلی، شغلی و روانی او سایه افکند. در چنین وضعیتی، آسیب‌پذیری کودکان نه تنها به واسطه ناتوانی در درک پیامدهای بلندمدت انتشار داده‌ها، بلکه به سبب نبود ابزارهای مؤثر برای حذف یا کنترل آن‌ها در برابر نهادهای قدرتمند دیجیتال، مضاعف می‌گردد. از این رو، حق بر فراموش شدن برای کودکان نه صرفاً حقی اطلاعاتی، بلکه حق بر کرامت، رشد سالم، و رهایی از گذشته‌ای تحمیل شده است.

رأی تاریخی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده علیه شرکت گوگل در سال ۲۰۱۴ میلادی^۶، نقطه عطفی در تکوین و رسمیت یافتن این حق در نظام حقوقی اروپا به‌شمار می‌رود. دیوان در آن رأی تصریح نمود که موتورهای جست‌وجوگر نیز در قبال داده‌های شخصی افراد، مسئولیت حقوقی دارند و اشخاص می‌توانند در صورت بی‌ربط، نامتناسب یا زیان‌بار بودن اطلاعات موجود، خواستار حذف آن از نتایج جست‌وجو شوند. هرچند موضوع پرونده مستقیماً ناظر بر حقوق کودکان نبود؛ اما استدلال‌های حقوقی مندرج در آن - به‌ویژه در زمینه ضرورت موازنه میان منافع عمومی در دسترسی به اطلاعات و حق فرد در صیانت از حیثیت و کرامت خویش - مبنای نوینی برای بازاندیشی در حمایت از کودکان در فضای مجازی^۷

«هر فردی که به سن بلوغ شرعی نرسیده است» و نوجوان یعنی: هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده باشد. مواد ۴۹ قانون مجازات اسلامی و ۱۲۱۰ قانون مدنی سن زیر ۹ سال تمام قمری در دختران و سن زیر ۱۵ سال تمام قمری در پسران را کودک قلمداد کرده است. طبق ماده یک مقاله‌نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹: «کودک عبارت است از انسانی که به سن ۱۸ سال نرسیده است مگر اینکه در قانون کشورهای اعمال‌کننده، قانون به نحو دیگری تعیین شده باشد».

6. Judgment of the Court (Grand Chamber), 13 May 2014, Google Spain SL & Google Inc. v. Agencia Española de Protección de Datos (AEPD) and Mario Costeja González, Case C-131/12, ECLI:EU:C:2014:317.

۷. با وجود توسعه فراگیر کاربرد و آثار فضای مجازی در سطوح مختلف زندگی بشری در عصر حاضر، تاکنون تعریف واحد از این عبارت ارائه نشده است. با این حال تعاریف متعددی توسط افراد یا سازمان‌های مختلف جهت شفاف‌سازی ظرفیت‌ها و ویژگی‌ها و چپستی این فضا ارائه شده است؛ برای مثال در فرهنگ

فراهم آورد. از آن پس، حق بر فراموش شدن به تدریج به یکی از مؤلفه‌های بنیادین «حقوق بشر دیجیتال»^۸ تبدیل شد و جایگاه خود را در مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها در اتحادیه اروپا تثبیت کرد. با وجود این، هنوز پرسش‌های بنیادینی در عرصه نظری و عملی درباره نسبت این حق با حقوق کودکان باقی است. آیا حق بر فراموش شدن می‌تواند به گونه‌ای اعمال شود که منافع عالی‌ه کودک را بر منافع عمومی در دسترسی آزاد به اطلاعات مقدم دارد؟ چه سازوکارهایی باید برای اعمال این حق در مورد داده‌های منتشرشده از سوی والدین یا نهادهای آموزشی پیش‌بینی شود؟ و در نهایت، چه چالش‌هایی در اجرای جهانی این حق،

لغت دپارتمان دفاع ایالات متحده در تعریف فضای مجازی عنوان شده است: «فضای مجازی یک دامنه و بستر جهانی در محیط اطلاعاتی است که با بهره‌گیری از زیرساخت‌های فناوری اطلاعات مانند شبکه‌های مخابراتی، اینترنت، رایانه و دیگر پردازنده‌های وابسته به هم اقدام به کنترل و پردازش داده‌های مختلف می‌کند». همچنین سازمان امنیت مجازی ایالات متحده و روسیه نیز در تعریف فضای مجازی بیان کرده‌اند که فضای مجازی بستری برای حفظ و نگهداری، انتقال، حذف و تولید اطلاعات مختلف است. از دیگر تعاریف ارائه شده درباره فضای مجازی می‌توان به موارد ذیل نیز اشاره کرد: فضای مجازی عبارت است از: «مجموعه ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق رایانه و وسایل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی. به تعبیر دیگر، فضای مجازی فضایی است که در آن فعالیت‌های مختلف در ابعاد داده‌ورزی و اطلاع‌رسانی، ارتباطات و ارائه خدمات، مدیریت و کنترل از طریق سازوکارهای الکترونیکی و مجازی صورت می‌پذیرد» (سلامی و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۱۳۰). در تعریف دیگری از فضای مجازی آمده است: مجموعه‌ای از انتقال و ذخیره داده‌های الکترونیکی است که بخش عمده و مهمی از آن را اینترنت تشکیل داده است. فضای مجازی ویژگی‌هایی را دارا است که اصلی‌ترین آن‌ها؛ گسترده بودن، جهان‌شمول بودن، پوشیده بودن و گزینشی بودن اطلاعات می‌باشند. هر چند تعاریف متعددی برای این عبارت ارائه شده است؛ اما می‌توان با استفاده از مجموعه این تعاریف و مدنظر قرار دادن شباهت‌های آنان با یکدیگر به استانداردهای مشخصی در تعریف فضای مجازی رسید، از جمله آنکه در تمامی این تعاریف فضای مجازی بستری جهانی و فرامرزی برای پردازش داده‌های مختلف معرفی شده است. همچنین این تعاریف مؤید این نکته و مؤلفه هستند که فضای مجازی محیطی دیجیتال شامل پردازنده‌ها و بسترهای گوناگون از جمله اینترنت است؛ بنابراین از مجموعه این تعاریف می‌توان نتیجه گرفت که به‌طور کلی فضای مجازی حوزه دیجیتال جهانی از شبکه‌های وابسته به هم و همچنین شبکه‌های تعاملی از جمله اینترنت و سایر شبکه‌های مخابراتی و پردازنده‌هایی است که برای انتقال، تولید یا حفظ و حذف اطلاعات گوناگون از آن استفاده می‌شود (قبولی درافشان، بختیاروند و آقامحمدی، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۳).

8. Digital Human Rights

به‌ویژه در نظام‌هایی که بر آزادی بیان و جریان آزاد اطلاعات تأکید دارند، وجود دارد؟ در سال‌های اخیر، توجه به حق بر فراموش شدن و حفاظت از حریم خصوصی و داده‌های کودکان در فضای دیجیتال به‌طور فزاینده‌ای مورد بررسی محققان داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است. پژوهش‌های ایرانی، از جمله دکتر انصاری در کتاب خود (۱۴۰۰)، استمرار گردش و بازنشر داده‌های شخصی بدون رضایت آگاهانه، می‌تواند مصداق نقض حریم خصوصی اطلاعاتی تلقی شود؛ تحلیلی که انصاری آن را مبنای حمایت مؤثر از شخصیت انسانی می‌داند، همچنین مطالعات نیک‌بین و رئوفی (۱۴۰۴)، غنی‌زاده بافقی و رضوانی (۱۴۰۲) و سیدناصری (۱۴۰۲)، بر ضرورت تقویت چهارچوب‌های حقوقی و نهادهای نظارتی در حمایت از حقوق کودکان در فضای سایبری تأکید کرده‌اند و به نقش خانواده، والدین و آموزش دیجیتال در کاهش آسیب‌ها اشاره دارند. این مطالعات نشان می‌دهند که بدون رویکرد یکپارچه و هم‌افزا میان قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری آموزشی و فرهنگ‌سازی، تحقق حقیقی حق بر فراموش شدن برای کودکان با چالش‌های جدی مواجه است. همچنین بررسی‌های اخیر، مانند پژوهش سلامی و همکاران (۱۴۰۱) و سیدناصری و شاه‌محمدی (۱۴۰۱)، بر اهمیت هم‌زمان‌سازی الزامات ملی با استانداردهای بین‌المللی، از جمله مقاله‌نامه حقوق کودک و اصول حریم خصوصی، در حمایت از کرامت و رشد کودکان تأکید دارند. این پیشینه داخلی نشان می‌دهد که بحث حق بر فراموش شدن، گرچه در ابتدا بیش‌تر به‌عنوان یک حق اطلاعاتی مطرح شد؛ اما در عمل با حقوق بنیادین کودکان و نیاز به بازتعریف کرامت دیجیتال آنان پیوند دارد. از منظر نوآوری، پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل عملی و کاربردی رأی تاریخی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا علیه گوگل (۲۰۱۴)، قصد دارد فراتر از بررسی نظری چهارچوب‌های حقوقی عمل کند و الگوهای عملی حمایت از کودکان در فضای دیجیتال را استخراج نماید. این رویکرد، ضمن بازتعریف حق بر فراموش شدن در چهارچوب کرامت دیجیتال کودک، امکان توسعه سازوکارهای نوآورانه حقوقی، فنی و سیاستی را فراهم می‌آورد که تاکنون در مطالعات داخلی کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. در سطح بین‌المللی، پژوهش‌های گسترده‌ای به بررسی چهارچوب‌های قانونی و سیاستی حق بر فراموش شدن پرداخته‌اند. پژوهشگران، از جمله سیدناصری (۲۰۲۵) و گلدستون و همکاران (۲۰۱۹)، بر

اهمیت مسئولیت موتورهای جست‌وجوگر در برابر داده‌های شخصی و لزوم موازنه میان منافع عمومی و حقوق فردی تأکید کرده‌اند. علاوه بر آن، گزارش‌ها و توصیه‌های نهادهای بین‌المللی مانند شورای اروپا (۲۰۲۱)، یونسکو (OECD 2023) و یونیسف (۲۰۲۰-۲۰۲۴) چهارچوب‌های عملی و سیاستی متنوعی برای حمایت از کودکان در محیط دیجیتال ارائه کرده‌اند. پژوهش حاضر، با تلفیق این پیشینه بین‌المللی و تجربه عملی رأی دیوان، به دنبال ارائه رویکردی نوآورانه است که ضمن رعایت تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، سازوکارهای فنی و سیاست‌گذاری قابل‌اتکا برای حفاظت از حقوق کودکان در فضای دیجیتال را پیشنهاد می‌کند. این پژوهش با طرح چنین پرسش‌هایی می‌کوشد از رهگذر تحلیل رأی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا علیه گوگل، مبانی، ظرفیت‌ها و چالش‌های حقوقی حق بر فراموش شدن را در پیوند با حقوق کودک مورد واکاوی قرار دهد. فرض اصلی پژوهش آن است که رأی یادشده، اگرچه در بستر حقوق داده‌ها و حریم خصوصی شکل گرفت؛ اما می‌تواند الگویی نظری و هنجاری برای گسترش حمایت‌های ویژه از کودکان در فضای مجازی فراهم سازد. این فرض بر مبنای این تحلیل استوار است که کرامت انسانی، به‌ویژه در دوران کودکی، ایجاب می‌کند فرد بتواند بر سرنوشت داده‌های خویش تسلط یابد و از آسیب‌های روانی، اجتماعی و حیثیتی ناشی از ماندگاری ناخواسته اطلاعات مصون بماند. روش پژوهش حاضر، تحلیلی و توصیفی - تطبیقی است و با بهره‌گیری از رویکرد دکترینال در حقوق بین‌الملل، ضمن بررسی متون حقوقی، آراء قضائی و اسناد بین‌المللی، به تحلیل مفهومی و کارکردی حق بر فراموش شدن در ارتباط با حقوق کودک می‌پردازد. ساختار مقاله بدین‌گونه سامان یافته است: در بخش نخست، مبانی نظری و حقوقی حق بر فراموش شدن و ارتباط آن با اصول کرامت انسانی و حریم خصوصی بررسی می‌شود. در بخش دوم، رأی تاریخی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا علیه گوگل و آثار آن بر تحول حقوق داده‌ها تحلیل می‌گردد. بخش سوم به تبیین نسبت این حق با حمایت از کودکان در فضای مجازی اختصاص دارد و سرانجام، در بخش پایانی، چالش‌های اجرایی و سیاستی تحقق این حق در سطح ملی و بین‌المللی و راهکارهای پیشنهادی برای حمایت مؤثر از کودکان مورد بحث قرار می‌گیرد. درنهایت، مقاله بر این باور است که حق بر فراموش شدن نه صرفاً ابزاری برای حذف داده‌ها،

بلکه تجلی تازه‌ای از حق انسان بر کرامت، خودمختاری و رهایی از قید گذشته‌ای ناخواسته است؛ حقی که برای کودکان، معنای عمیق‌تری دارد: حق بر آینده‌ای پاک، آزاد و رها از خاطرات دیجیتالی که بی‌اذن آنان نوشته شده است.

۱. مبانی نظری و حقوقی حق بر فراموش شدن

تحول فناوری‌های دیجیتال در سده بیست‌ویکم، مناسبات سنتی میان انسان، اطلاعات و حافظه عمومی را به‌طور بنیادین دگرگون ساخته است. در جهانی که داده‌ها ماندگار، قابل‌ردیابی و به‌سادگی بازتولیدپذیرند، «فراموش کردن»^۹ به یک کنش غیرممکن و درعین‌حال به ضرورتی اخلاقی، انسانی و حقوقی بدل شده است. از دل همین پارادوکس میان حافظه نامحدود فناوری و حق انسان بر بازسازی گذشته خویش، مفهوم «حق بر فراموش شدن» زاده شد؛ مفهومی که امروزه در تقاطع میان آزادی، کرامت انسانی و حفاظت از داده‌های شخصی جای می‌گیرد و به‌ویژه در عصر دیجیتال، یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث حقوق بین‌الملل بشر را شکل داده است (غلامی و موزن‌زادگان، ۱۳۹۶، ص. ۳۳).

۱-۱. مفهوم‌شناسی و تطور تاریخی

خاستگاه «حق بر فراموش شدن» را باید در سنت دیرپای حمایت از حریم خصوصی جست‌وجو کرد. نخستین جلوه‌های آن در اندیشه‌های حقوقی قرن نوزدهم، به‌ویژه در قالب «حق بر خلوت»^{۱۰} و مصونیت از مداخله غیرمجاز در زندگی خصوصی افراد، ظاهر شد. با گسترش رسانه‌های جمعی و ظهور فناوری‌های ذخیره و انتقال داده، حق بر خلوت دیگر صرفاً به‌معنای دور ماندن از چشم دیگران نبود بلکه به معنای کنترل بر بازنمایی خویشتن در فضای عمومی و بر اطلاعاتی بود که درباره فرد منتشر می‌شود. بدین‌ترتیب، مفهوم جدیدی از حریم خصوصی پدید آمد که بر «مالکیت معنوی شخص نسبت به داده‌های خود»^{۱۱} و «حق تصمیم‌گیری بر سر تداوم یا حذف آن‌ها» تأکید داشت (Palfrey & Gasser,)

9. The Right to Be Forgotten

10. Right to Privacy

11. Individual's Intellectual Ownership over Their Data

۵-۷). در دهه‌های پایانی قرن بیستم و با انفجار فضای مجازی، این دکترین نظری وارد مرحله‌ای نهادی شد. نیاز روزافزون به تنظیم وضعیت داده‌های شخصی در شبکه‌های اینترنتی، قانون‌گذاران اروپایی را بر آن داشت تا از رهگذر مقررات جامع حمایت از داده‌ها، زمینه‌های تحقق عملی این حق را فراهم سازند. رأی تاریخی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده‌ای که نقطه عطفی در تکوین این حق به‌شمار می‌آید، به رسمیت شناختن حق افراد برای درخواست حذف اطلاعات شخصی از نتایج جست‌وجو را تأیید کرد (Kardefelt-Winther, 2020, p. 11). این رأی در واقع انتقال «حق بر فراموش شدن» از سطح نظری به سطح اجرایی را رقم زد و سبب شد تا اتحادیه اروپا با تصویب مقررات جامع‌تر، این حق را در چهارچوب حقوق بنیادین بشر نهادینه کند. از منظر تطبیقی، می‌توان سیر تحول این حق را در سه مرحله توصیف کرد: نخست، مرحله پیدایش مفهومی در دل حقوق حریم خصوصی؛ دوم، مرحله تثبیت در نظام‌های منطقه‌ای همچون اتحادیه اروپا؛ و سوم، مرحله جهانی‌سازی تدریجی که امروز در گفتمان‌های بین‌المللی درباره داده، کرامت انسانی و حقوق کودک انعکاس یافته است.

۱-۲. مبانی فلسفی و اخلاقی

پشتوانه فلسفی و اخلاقی «حق بر فراموش شدن» را باید در اصل بنیادین کرامت انسانی جست‌وجو کرد؛ اصلی که شالوده تمامی نظام‌های حقوق بشر معاصر است. کرامت انسان نه تنها بر مصونیت او از تحقیر و ایزاری شدن تأکید دارد بلکه مستلزم توانایی هر فرد برای بازسازی هویت خویش در گذر زمان است. در جهانی که فناوری، گذشته را به شکلی جاودانه در حافظه دیجیتال ثبت می‌کند، تداوم بی‌قید انتشار داده‌های شخصی می‌تواند با این حق بنیادین در تعارض قرار گیرد و فرد را از امکان زیستن در زمان حال و آینده محروم سازد (Kamarinou et al., 2023, p. 70). از این منظر، «حق بر فراموش شدن» تجلی مفهوم «خودمختاری اطلاعاتی» است؛ بدین معنا که هر فرد باید بتواند بر سرنوشت داده‌های خویش تصمیم بگیرد، از انتشار آن جلوگیری کند یا خواستار حذف آن شود. این خودمختاری نه تنها حق فنی در مدیریت داده‌ها، بلکه جلوه‌ای از آزادی اراده و حق بر تعیین

سرنوشت فردی است. در برابر این حق، ارزش‌هایی چون آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات قرار دارند که در بسیاری موارد با آن در تنش‌اند (Powell, 2021, pp. 191-192)؛ بنابراین، تحقق عملی «حق بر فراموش شدن» نیازمند برقراری موازنه‌ای ظریف میان دو حق اساسی است: یکی حق جامعه در دانستن، و دیگری حق فرد در بازسازی و حفاظت از هویت خویش. این موازنه باید با در نظر گرفتن معیارهایی چون منافع عمومی، نقش اجتماعی فرد، و گذشت زمان صورت گیرد تا نه به سانسور و تحریف واقعیت بینجامد و نه به نقض کرامت انسانی.

۱-۳. چهارچوب‌های بین‌المللی و داخلی مرتبط با حق بر فراموش شدن کودکان

در حقوق بین‌الملل معاصر، «حق بر فراموش شدن» هنوز به صورت یک قاعده مستقل و جهان‌شمول در هیچ معاهده الزام‌آور پیش‌بینی نشده است؛ اما مبانی هنجاری و مفهومی آن در طیف گسترده‌ای از اسناد بنیادین حقوق بشر و حفاظت از داده‌ها انعکاس یافته است. این حق، محصول تکامل تاریخی مفاهیم حریم خصوصی و کرامت انسانی است که با گسترش فناوری‌های دیجیتال، به‌ویژه در زمینه کودکان، نیازمند بازتفسیر و توسعه مفهومی و عملی است. مطالعات پیشین نشان می‌دهند که حفاظت از داده‌های کودکان نیازمند ترکیب میان چهارچوب‌های حقوقی، سیاست‌گذاری فناوری و آموزش دیجیتال است (اسلامی و فیضی، ۱۳۹۵، ص. ۱۳؛ نیک‌بین و رئوفی، ۱۴۰۴، ص. ۷۰۰).

در سطح اتحادیه اروپا، مقرره عمومی حفاظت از داده‌ها^{۱۲} با معرفی «حق حذف داده‌ها»^{۱۳} برای نخستین بار، امکان درخواست حذف داده‌های شخصی را برای افراد فراهم کرده و معیارهای صریحی برای اجرای آن تعیین کرده است: نامربوط بودن داده، گذشت زمان یا بی‌تناسبی میان هدف پردازش و آثار استمرار آن. این مقرره، نه تنها در قلمرو اتحادیه اروپا بلکه با اثر فراسرزمینی خود، شرکت‌های فناوری جهانی را نیز ملزم به رعایت این استانداردها کرده است. چنین سازوکارهایی، زمینه تکوین حقوق دیجیتال را فراهم می‌آورند و نشان می‌دهند که حق بر فراموش شدن می‌تواند از سطح نظریه به مرحله عملی

12. GDPR (General Data Protection Regulation)

13. Right to Erasure

و تعهدات اجرایی ارتقا یابد (European Union Agency for Fundamental Rights, 2022, pp. 14-16). ماده هشتم منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا نیز برای نخستین بار حق بر حفاظت از داده‌های شخصی را به‌عنوان حقی مستقل از حریم خصوصی شناسایی کرده است. این تمایز، گامی اساسی در تحول حقوق بشر دیجیتال بود؛ زیرا نشان داد که صرف حفظ خلوت و حریم خصوصی کافی نیست و باید سازوکارهایی برای کنترل چرخه حیات داده‌ها وجود داشته باشد. این ماده منشور مبنای رأی تاریخی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده گوگل اسپانیا شد و نشان داد که حذف داده‌های شخصی می‌تواند به‌عنوان مصداقی عملی از حق بر فراموش شدن تلقی شود.

در سطح جهانی، اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۱۴} (ماده ۱۲) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۱۵} (ماده ۱۷) به‌صراحت بر مصونیت فرد در برابر مداخلات خودسرانه در زندگی خصوصی و حیثیت او تأکید دارند. گرچه این اسناد در زمان تدوین، فناوری دیجیتال وجود نداشت؛ اما اصول بنیادین احترام به کرامت و تمامیت شخصی، قابلیت تطبیق با تحولات دیجیتال و به‌ویژه حفاظت از داده‌های کودکان را دارند (غنی‌زاده بافقی و رضوانی، ۱۴۰۰، ص. ۲۷۱). در حوزه حقوق کودک، ماده شانزدهم مقاله‌نامه حقوق کودک حفاظت از حریم خصوصی کودکان را تضمین می‌کند و نظر تفسیری شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک (CRC/C/GC/25, 2021) توسعه مفهومی حق بر فراموش شدن را در محیط دیجیتال مشخص کرده است. این نظر، دولت‌ها را موظف می‌سازد که از جمع‌آوری بی‌رویه داده‌های کودکان جلوگیری کرده و سازوکارهایی برای حذف داده‌های قدیمی، مضر یا غیرضروری ایجاد نمایند. از منظر عملی، این نظر تفسیری، حق بر فراموش شدن را به یکی از مصادیق تحقق حق بر حریم خصوصی دیجیتال کودکان تبدیل کرده است (Seyed Nasseri, 2025). سایر اسناد بین‌المللی، از جمله اصول راهنمای اصول راهنمای حفاظت از حریم خصوصی و داده‌ها^{۱۶} درباره حاکمیت داده‌ها و اصول مصوب مجمع جهانی اینترنت (۲۰۱۵)، هرچند الزام‌آور نیستند؛ اما چهارچوب‌های نرم حقوقی برای شفافیت، رضایت

14. Universal Declaration of Human Rights – UDHR

15. International Covenant on Civil and Political Rights – ICCPR

16. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

آگاهانه، و حق اصلاح یا حذف داده‌ها فراهم می‌کنند و زمینه‌ساز تکوین هنجارهای عرفی در حفاظت از داده‌های کودکان هستند (خوبیاری، ۱۴۰۳، ص. ۱۲۷). همچنین، گزارش‌های شورای اروپا و مجمع پارلمانی آن، به‌ویژه پیشنهادنامه شماره ۲۱۵۲ (۲۰۱۹)، ضرورت تدوین «حق بر فراموش شدن» در سطح فراملی و گنجاندن آن در سازوکارهای نظارتی بین‌المللی را مورد تأکید قرار داده‌اند (Council of Europe, 2021, p. 3).

در ایران، تلاش‌های قانونی برای حمایت از کودکان در فضای دیجیتال نیز قابل‌توجه است. مصوبه صیانت از کودکان در فضای مجازی (۱۴۰۰) دولت و سکوها را موظف به ایجاد سازوکار حذف داده‌های مضر و کنترل محتوای دیجیتال برای کودکان می‌کند. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۲) نیز حفاظت از حریم خصوصی و کرامت کودکان را تضمین کرده و نقض این حقوق را مستلزم پیگرد قانونی می‌داند. جایگاه شورای عالی فضای مجازی در تنظیم سیاست‌های کلان و هماهنگی میان الزامات داخلی و استانداردهای بین‌المللی نقش کلیدی دارد. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که اگرچه چهارچوب‌های بین‌المللی به سطح تعهدات عملی رسیده‌اند، در ایران هنوز نیاز به نهادسازی و ایجاد سازوکارهای اجرایی و نظارتی جهت تحقق حق بر فراموش شدن کودکان وجود دارد.

حق بر فراموش شدن برای کودکان با بزرگسالان تفاوت دارد؛ کودکان به دلیل رشد شناختی و آسیب‌پذیری، بیش‌ترین مخاطرات ناشی از داده‌های دیجیتال را تجربه می‌کنند؛ برای مثال، انتشار تصاویر آموزشی یا محتوای شبکه‌های اجتماعی مربوط به کودک، در صورت باقی ماندن در موتورهای جست‌وجو، می‌تواند پیامدهای بلندمدت روانی و اجتماعی ایجاد کند؛ بنابراین، تحلیل و بازتفسیر حق بر فراموش شدن باید ویژگی‌های خاص کودکان، مراحل رشد، و آسیب‌پذیری‌های آن‌ها را در نظر گیرد و راهکارهای عملی برای حذف یا اصلاح داده‌ها ارائه دهد. درنهایت، می‌توان گفت که حق بر فراموش شدن در عصر دیجیتال نه صرفاً ابزاری برای حذف گذشته، بلکه راهبردی برای بازآفرینی کرامت انسانی کودکان و تضمین رشد آزاد و متناسب با شأن انسانی آن‌ها است. این حق، نمود گذار حقوق بشر از مرحله «حمایت منفی»^{۱۷} به «توانمندسازی مثبت»^{۱۸} است؛ یعنی از صرف

17. Negative Protection

18. Positive Empowerment / Positive Protection

پیشگیری از نقض حریم خصوصی به فراهم کردن امکان اختیار و بازسازی هویت دیجیتال کودکان حرکت می‌کند.

۲. رأی تاریخی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا علیه گوگل مثابه نقطه عطف تکوین «حق بر فراموش شدن»

رأی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده‌ای که در ادبیات حقوقی اروپایی به‌عنوان نقطه عطف تکوین «حق بر فراموش شدن» شناخته می‌شود، فراتر از یک حکم جزئی علیه یک کنشگر بازار بود؛ این رأی تفسیر جدیدی از نسبت میان حافظه جمعی دیجیتال، کرامت انسانی و مسئولیت بازیگران فناوری به‌دست داد و دستگاه مفهومی حریم خصوصی در عصر اینترنت را دگرگون ساخت. در این بخش، ضمن بازخوانی دقیق واقعیت‌های اجتماعی - حقوقی پرونده، به تحلیل تفصیلی استدلال‌های حقوقی دیوان، معیارهای عملی تعیین‌شده برای حذف داده‌ها، ساختار موازنه‌گرایانه حکم و پیامدهای حقوقی و نهادی آن پرداخته می‌شود.

۱-۲. پیشینه و وقایع؛ از روایت واقعه تا پرسش‌های حقوقی بنیادین

ماجرای شکایت شهروند اسپانیایی که خبر فروش اجباری ملک او در گذشته در نشریه‌ای محلی منتشر شده بود، و ادامه دسترسی عمومی به آن خبر از طریق موتور جست‌وجو، ساده به‌نظر می‌رسید؛ اما در پیرامون آن چند پرسش بنیادین حقوقی نهفته بود: آیا داده‌ای که منبع اصلی آن قانونی و در دسترس است، باید همچنان به‌صورت نامحدود از طریق ابزارهای جست‌وجو در دسترس بماند؟ (قبولی درافشان، بختیاروند و آقامحمدی، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۹) و مهم‌تر اینکه نهادی که پیوندها و نتایج جست‌وجو را سازمان‌دهی و عرضه می‌کند، آیا نقش صرفاً فنی و واسطه‌ای دارد یا باید به‌عنوان نهادی که بر سرنوشت اطلاعات فردی اثر می‌گذارد، پاسخگو شناخته شود؟ (Seyed Nasseri, 2025). این پرسش‌ها، در عین سادگی ظاهری، خوانشی از نسبت میان پردازش اطلاعات، حق دسترسی عمومی و کرامت فرد در عصر دیجیتال را می‌طلبیدند. به‌دلیل فقدان هماهنگی و تعامل مؤثر میان سازوکارهای ملی

و فراموشی، بررسی ماهیت حقوقی و فنی کنش‌های شرکت‌های جست‌وجو ضروری می‌نماید: آیا فرایند انتخاب، سامان‌دهی و ارائه نتایج جست‌وجو صرفاً عملی خنثی و فنی است، یا آن‌جا که این فعالیت‌ها ماهیتی گزینشی و جهت‌دهنده دارند، مسئولیت و تأثیر حقوقی قابل‌توجهی بر عهده دارند؟ ارجاع این پرسش‌ها به دیوان، فرصتی فراهم ساخت تا قواعد حقوقی جدیدی شکل گیرد؛ قواعدی که فراتر از صدور حکم صرف به حذف چند پیوند بودند و زمینه ارائه مبانی حقوقی تازه و راهبردی‌تر را فراهم کردند (Agarwala, 2025, pp. 332-334).

۲-۲. استدلال دیوان: از شناخت مسئولیت تا معیارهای حذف

دیوان در استدلال خود با نگاهی مفهومی و کارکردی، خواستار بازشناسی نقش فعال موتور جست‌وجو در «گردآوری، سازمان‌دهی و ارائه» اطلاعات گشت. دیوان پذیرفت که چنین نهادی، با اعمال شیوه‌های نمایه‌سازی و رتبه‌بندی، عملاً بر چگونگی دیده شدن افراد در فضای عمومی اثر می‌گذارد و از این منظر، نمی‌تواند صرفاً به‌عنوان واسطه‌ای بی‌طرف تلقی شود. این بازشناسی، بار مهم حقوقی را بر عهده بازیگران فناورانه نهاد تا در چهارچوب الزامات حفاظت از داده پاسخگو باشند (Kadastik, 2021, pp. 110-112). در تبیین معیارهای امکان درخواست حذف، دیوان سه معیار عملی و تکوینی را مطرح ساخت که تبدیل به هسته تحلیل قضائی بعدی شد: نخست، ارزیابی «ارتباط» اطلاعات با وضع کنونی؛ دوم، سنجش «ضرورت» تداوم انتشار از منظر منافع عمومی؛ و سوم، بررسی «تناسب» میان آسیب وارده به کرامت فرد و سود ناشی از دسترسی عمومی. این مجموعه معیارها، درحقیقت، ابزاری برای عملی‌سازی اصل موازنه‌گرایی در برخورد میان دو ارزش بنیادی حریم خصوصی و آزادی اطلاع‌رسانی فراهم ساخت. دیوان همچنین بر اهمیت گذر زمان و تغییر شرایط شخصی تأکید نمود: اطلاعاتی که زمانی حائز اهمیت و مشروعیت انتشار بوده‌اند، ممکن است با گذشت زمان از ارتباط و ضرورت ساقط شوند و استمرار دسترسی به آن‌ها دیگر موجه نباشد. به این ترتیب، حق بر فراموش شدن نه امتیازی مطلق که سازوکاری نسبی و زمان‌بسته معرفی گردید که نیازمند ارزیابی موردی نرم و دقیق است (Livingstone, Stoilova & Nandagiri, 2018, p. 18).

۲-۳. تحلیل موازنه و اصول حقوقی نهفته در حکم

آنچه رأی را فراتر از یک حکم قضائی معمولی می‌سازد، ساختار قاعده‌گذاری مبتنی بر موازنه است که به‌عنوان روش تفسیر و کاربرد حقوق قلمداد شد. دیوان از یک منظر کلاسیک حقوقی بهره جست: مقایسه منافع و تعیین قاعده نسبت‌دهنده. با این حال، نوآوری اصلی این روش در انطباق آن با منطق فضای دیجیتال نهفته است؛ به‌گونه‌ای که عواملی مانند نقش اجتماعی فرد، ماهیت اطلاعات، مدت زمان سپری‌شده از انتشار و وجود منافع عمومی ملموس در دسترسی به اطلاعات، به‌طور هم‌زمان مورد بررسی قرار می‌گیرند. این نوع موازنه‌گرایی، ابزارهای قضائی برای قضاوت در مورد حقوق رقابتی را توسعه داد و راه را برای تفسیرهای موردی باز کرد (Yates, 2023, p. 9). هم‌زمان، دیوان خطوط قرمزی را نیز مشخص ساخت؛ برای مثال، نقش شخصیت‌های عمومی یا امور مرتبط با حکومت و مسئولیت‌های عمومی را در زمره مواردی قرار داد که احتمال ارجحیت منافع عمومی بر منافع خصوصی بیشتر است. این تمایز میان افراد عادی و شخصیت‌های عمومی، توازنی محوری ایجاد کرد؛ اما هم‌زمان انتقادهایی را نیز برانگیخت، چرا که تمایز در عمل می‌تواند محل آزمون‌های پیچیده درباره مرز میان زندگی خصوصی و عرصه عمومی گردد.

۲-۴. پیامدها و چالش‌ها: از قانون‌گذاری تا ابعاد فنی و حقوقی

رأی دیوان، بی‌درنگ آثار نهادی و قانون‌گذاری برجای نهاد. نخست، بستر حقوقی برای پذیرش حق حذف داده‌ها در مقررات بعدی فراهم آمد و نقش نهادهای نظارتی و سازوکارهای قضائی در نظارت بر اجرای چنین حقی تقویت شد (Kardefelt-Winther et al., 2020, pp. 6-7). دوم، این تصمیم هنجار انتظارات عمومی از مسئولیت فناوری را بالا برد و ضرورت تدوین رویه‌ها و سازوکارهای پاسخگویی شرکت‌ها را روشن ساخت. با این حال، حکم با نقدها و مسائل عملی نیز روبه‌رو گردید. از منظر فنی، چگونگی اجرای حذف در فضای اینترنتی به‌ویژه در برابر بازنشرهای پی‌درپی، شبکه‌های غیرمتمرکز و نسخه‌های آرشیوی پرسش‌های پیچیده‌ای را مطرح کرد. از منظر حوزه‌ای، مفهوم «دامنه اجرای

ملی^{۱۹} و امکان دسترسی به داده‌ها از حوزه‌های قضائی دیگر، چالش‌های حقوقی فراملی پدید آورد و پرسش از دامنه اثر حکم را برجسته ساخت. افزون بر آن، نقدهای حقوقی-نظری نیز بر این حکم وارد شد؛ برخی آن را گامی مؤثر در صیانت از کرامت دانستند و برخی دیگر آن را تهدیدی برای آزادی مطبوعات و حافظه جمعی قلمداد کردند. اگرچه موضوع اولیه پرونده مستقیماً به حقوق کودکان نپرداخت؛ اما ساختار استدلالی دیوان و معیارهای معرفی‌شده، ابزار مهمی برای تحلیل موقعیت داده‌های کودکان فراهم آورد. به‌ویژه در مواردی که داده‌ها توسط والدین منتشر شده یا درباره کودکان محتوای قدیمی و محل کرامت به‌جا مانده است، معیارهای دیوان می‌تواند مبنای تقاضای حذف یا محدودسازی دسترسی قرار گیرد. افزون بر این، ضرورت توجه به آسیب‌پذیری زمانی کودکان و عدم امکان ابراز رضایت آگاهانه آنان، بُعدی خاص به کاربرد این حق می‌بخشد که شایسته تبیین حقوقی و حقوقی-سیاستی جداگانه است. در مجموع، رأی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا علیه شرکت جست‌وجو، نه تنها «قضیه‌ای» را حل کرد بلکه چهارچوبی نظری و عملی برای مواجهه با تقابل حافظه دیجیتال و کرامت انسانی عرضه نمود؛ چهارچوبی که پایه‌ای برای توسعه قواعد حفاظت از داده و نیز مباحث تخصصی‌تری چون حمایت ویژه از کودکان در فضای مجازی فراهم ساخت و مسیر پژوهشی گسترده‌ای پیش روی حقوق‌دانان و سیاست‌گذاران نهاد است.

۳. حق بر فراموش شدن و حقوق کودک در فضای مجازی

تحول شتابان فناوری‌های دیجیتال در دهه‌های اخیر، مرزهای سنتی میان «حریم خصوصی» و «فضای عمومی» را از میان برده و مفهوم «زمان» را در نسبت با حافظه جمعی و هویت فردی دگرگون ساخته است. این تحولات نه تنها عرصه اجتماعی و روان‌شناختی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند بلکه زمینه‌ساز بازتعریف حقوق اساسی و بنیادین افراد، به‌ویژه کودکان، در محیط دیجیتال شده‌اند. کودکان، به‌دلیل محدودیت‌های شناختی، رشد تکاملی و وابستگی شدید به بزرگسالان در تصمیم‌گیری‌ها، به‌عنوان گروهی

آسیب‌پذیر در فضای مجازی شناخته می‌شوند و هرگونه ماندگاری داده‌های شخصی و انتشار اطلاعات گذشته آنان، می‌تواند پیامدهای بلندمدت و پیچیده‌ای بر هویت، کرامت و رشد روانی آنان داشته باشد. در این چهارچوب، حق بر فراموش شدن، فراتر از یک ابزار فناورانه یا داده‌محور، نمادی از کرامت انسانی و اختیار بر گذشته است؛ اختیاری که برای کودکان معنای خاصی دارد؛ زیرا بخش عمده گذشته دیجیتال آنان نه به دست خودشان، بلکه توسط دیگران ساخته، بازنمایی و منتشر شده است (OECD, 2022, pp. 27-29). از منظر حقوقی، این حق به کودکان امکان می‌دهد تا کنترل بخشی از داده‌های خود را بازپس گیرند، و از تبعات ماندگاری اطلاعات شخصی که می‌تواند بر فرصت‌های تحصیلی، شغلی و روابط اجتماعی آنان اثرگذار باشد، مصون بمانند.

۳-۱. آسیب‌پذیری مضاعف کودکان در فضای دیجیتال

گزارش‌های یونیسف، شورای اروپا و اصول راهنمای حفاظت از حریم خصوصی و داده‌ها نشان می‌دهند که کودکان در فضای دیجیتال در معرض دو نوع آسیب‌پذیری مضاعف قرار دارند: ۱- محدودیت‌های شناختی و عدم توانایی در ارزیابی پیامدهای بلندمدت انتشار داده‌ها؛ ۲- نفوذ و تسلط بازیگران خارجی که اغلب منافع اقتصادی، تبلیغاتی یا نمایشی خود را بر مصالح عالی‌ه کودک ترجیح می‌دهند (Vilella & Ruffo, 2025, pp. 12-13). یک مثال عملی روشن، پدیده «اشتراک والدین از کودکان» است که طی آن والدین بدون رضایت آگاهانه کودک، تصاویر، ویدئوها و اطلاعات شخصی او را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند. این اقدام نه تنها نقض رضایت کودک است بلکه می‌تواند اثرهای روانی طولانی‌مدت، آسیب به تصویر ذهنی کودک و محدودیت در فرصت‌های تحصیلی و شغلی آینده ایجاد کند. از منظر حقوقی، این وضعیت نشان می‌دهد که حق بر فراموش شدن برای کودکان یک ضرورت حفاظتی و توسعه‌ای است، نه صرفاً یک حق اطلاعاتی.

۳-۲. حق بر حریم خصوصی کودک در مقاله‌نامه حقوق کودک و نظر

تفسیری شماره ۲۵

کنوانسیون حقوق کودک، با رویکردی جامع و یکپارچه، سه مؤلفه بنیادین را به‌عنوان

ارکان تضمین‌کننده شخصیت، کرامت و رشد کودک به رسمیت می‌شناسد: حریم خصوصی، آزادی بیان و رشد سالم شخصیتی و روانی. این مؤلفه‌ها نه به صورت منفک، بلکه در پیوندی درهم‌تنیده، چهارچوب هنجاری حمایت از کودک را در نظام بین‌المللی حقوق بشر ترسیم می‌کنند (شهسواری و حسنی، ۱۴۰۳، صص. ۱۰۱۵-۱۰۱۷). مطابق ماده ۱۶ مقاله‌نامه حقوق کودک، «هیچ کودکی نباید در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتباتش مورد دخالت خودسرانه یا غیرقانونی قرار گیرد و یا حیثیت و اعتبار او به طور غیرقانونی مورد تعرض واقع شود» و دولت‌ها مکلف‌اند حمایت قانونی مؤثر در برابر چنین مداخلاتی فراهم آورند. اگرچه این ماده در زمان تصویب مقاله‌نامه ناظر بر مصادیق کلاسیک حریم خصوصی بوده است؛ اما در بستر تحولات دیجیتال، تفسیر آن ناگزیر باید فراتر از مفهوم سنتی «فضای خصوصی فیزیکی» گسترش یابد و داده‌های شخصی، ردپای دیجیتال، تصاویر، و هویت مجازی کودک را نیز دربرگیرد. جمع‌آوری خودکار داده‌ها، پردازش پنهانی اطلاعات، یا انتشار تصاویر و محتوای مرتبط با کودکان - خواه با رضایت ناآگاهانه کودک و خواه بدون رضایت او می‌تواند آثار مخرب و بعضاً جبران‌ناپذیری بر سلامت روانی و حیثیتی کودک برجای گذارد. از این منظر، استمرار دسترسی عمومی به داده‌های زیان‌بار یا تحقیرآمیز مربوط به دوران کودکی، مصداقی از «مداخله غیرقانونی و خودسرانه» در حریم خصوصی کودک تلقی می‌شود که مشمول ممنوعیت مقرر در ماده ۱۶ مقاله‌نامه است. همچنین کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد در نظر تفسیری شماره ۲۵ (۲۰۲۱)، به طور صریح به بازتعریف و تقویت حق بر حریم خصوصی کودکان در محیط دیجیتال پرداخته است. این نظر تفسیری، به‌ویژه در بندهای ۶۷ تا ۷۸، حریم خصوصی را حقی بنیادین برای حفظ کرامت، حیثیت و آزادی کودک می‌داند و تصریح می‌کند که این حق نباید نه توسط دولت‌ها، نه خانواده‌ها و نه بازیگران تجاری و سکوه‌های دیجیتال، بدون رضایت آگاهانه کودک و جز در موارد کاملاً ضروری، نقض شود (CRC/C/GC/25, 2021). کمیته تأکید می‌کند که پردازش پنهانی داده‌ها، ردیابی دیجیتال، و نگهداری طولانی‌مدت اطلاعات شخصی کودکان، حتی در صورت فقدان سوءنیت آشکار، می‌تواند با منافع عالیه کودک در تعارض قرار گیرد. از همین رو، دولت‌ها مکلف‌اند سازوکارهایی مؤثر برای حذف،

اصلاح یا محدودسازی دسترسی به داده‌های دیجیتال کودکان فراهم آورند. این الزام هنجاری، مبنای روشنی برای شناسایی «حق بر فراموش شدن» به‌عنوان امتداد منطقی حق بر حریم خصوصی کودک در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. در کنار ماده ۱۶، ماده ۱۳ مقاله‌نامه حقوق کودک حق آزادی جست‌وجو، دریافت و اشاعه اطلاعات را برای کودک تضمین می‌کند. با این حال، این آزادی مطلق نیست و باید به‌گونه‌ای اعمال شود که با کرامت انسانی، رشد سالم و منافع عالی‌ه کودک در تعارض قرار نگیرد. در این چهارچوب، درخواست حذف داده‌ها یا فراموشی دیجیتال نباید به‌عنوان محدودیتی بر آزادی بیان تلقی شود، بلکه ابزاری برای ایجاد تعادل میان حق بر دسترسی به اطلاعات و حق بر کرامت و رشد کودک است (فرامرزیانی و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۱۵۶). همان‌گونه که در ادبیات حقوقی نیز تصریح شده است، حق بر فراموش شدن می‌تواند نقشی ترمیمی در بازسازی هویت کودک و جلوگیری از تداوم آسیب‌های ناشی از انتشار داده‌های گذشته ایفا کند. ماده ۲۹ مقاله‌نامه حقوق کودک، هدف آموزش را «رشد کامل شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی کودک» می‌داند. تحقق این هدف مستلزم آن است که کودک در محیطی عاری از فشار قضاوت دائمی، برچسب‌زنی اجتماعی و ماندگاری خطاهای گذشته رشد یابد. انباشت و ماندگاری داده‌های دیجیتال مربوط به دوران کودکی، به‌ویژه زمانی که این داده‌ها حاوی خطاها یا رفتارهای نابالغانه‌اند، می‌تواند مانعی جدی در مسیر رشد آزادانه شخصیت کودک ایجاد کند. از این‌رو، حق بر فراموش شدن را می‌توان ابزاری کلیدی برای تضمین رشد سالم شخصیتی و روانی کودک در پرتو ماده ۲۹ مقاله‌نامه دانست. در مجموع، تحلیل توأمان مواد ۱۶، ۱۳ و ۲۹ مقاله‌نامه حقوق کودک در پرتو نظر تفسیری شماره ۲۵ نشان می‌دهد که حق بر فراموش شدن نه حقی مستقل و گسسته، بلکه برآمده از منظومه حقوقی حریم خصوصی، کرامت انسانی و حق بر رشد کودک است. این حق، امکان بازگرداندن اختیار بر داده‌ها و بازآفرینی هویت دیجیتال را برای کودک فراهم می‌سازد و تضمین می‌کند که مسیر رشد او تحت سیطره دائمی گذشته و مداخلات خودسرانه دیگران قرار نگیرد.

۳-۳. تطبیق رأی Google Spain با حقوق کودکان

رأی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده Google Spain، که حق حذف اطلاعات قدیمی یا بی‌ارتباط با وضعیت کنونی افراد را به رسمیت شناخت، نقطه عطفی در تکوین نظریه حق بر فراموش شدن است (Seyed Nasseri, 2025). هرچند این پرونده مرتبط با افراد بالغ بود، اصول استنباط‌شده از آن، به‌ویژه در زمینه تناسب میان حق دسترسی عمومی به اطلاعات و حق کودک بر کنترل داده‌های شخصی، قابلیت انطباق با وضعیت کودکان را دارد. در حوزه کودکان، دو مؤلفه اساسی مطرح است: ۱- رضایت آینده‌محور کودک: حقوق دیجیتال کودک باید فراتر از رضایت والدین باشد و مصالح آتی کودک و حق بازسازی هویت مستقل او را لحاظ کند. ۲- نمایندگی والدین و تضاد منافع: والدین گاه داده‌های شخصی کودک را منتشر می‌کنند؛ بنابراین، نظام حقوقی باید امکان بازپس‌گیری و حذف داده‌ها توسط کودک در سنین بلوغ و استقلال تصمیم‌گیری را فراهم کند. مسئولیت سکوها نیز نباید تنها به پاسخ به درخواست حذف داده‌ها محدود شود بلکه شامل پیشگیری از جمع‌آوری، نخیره و پردازش غیرضروری داده‌ها نیز باشد. این اقدام، بازتاب اصل «منافع عالی‌ه کودک» در حقوق بین‌الملل است و باید در تمامی تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های دیجیتال رعایت شود. به‌طور خلاصه، رأی Google Spain ظرفیت نظری مهمی برای حق بر فراموش شدن فراهم کرده؛ اما در زمینه کودکان نیازمند بازتفسیر و بومی‌سازی در چهارچوب مقاله‌نامه حقوق کودک و قوانین داخلی است. اعمال مؤثر این حق مستلزم بازتعریف رابطه میان حریم خصوصی، رضایت و نمایندگی قانونی است؛ رابطه‌ای که کودک را نه موضوع داده، بلکه صاحب واقعی داده‌ها قرار دهد و امکان رشد، کرامت و توسعه آزادانه شخصیت کودک را تضمین کند. برای نمونه، در ایران، استفاده از مصوبه صیانت از کودکان در فضای مجازی و قانون حمایت از اطفال می‌تواند چهارچوبی عملی برای پیاده‌سازی حق بر فراموش شدن کودکان فراهم آورد. ایجاد سامانه‌های دولتی یا پلتفرم‌های خصوصی که امکان درخواست حذف داده‌ها توسط والدین یا کودک در سن قانونی را فراهم کنند، می‌تواند به عملیاتی شدن این حق کمک کند. همچنین، آموزش والدین و کودکان در مورد خطرات ماندگاری داده‌ها و تقویت فرهنگ رضایت آگاهانه، از عناصر

کلیدی تحقق حق بر فراموش شدن محسوب می‌شوند.

۳-۴. جایگاه حق بر فراموش شدن در حقوق داخلی ایران

اگرچه «حق بر فراموش شدن» هنوز به‌عنوان عنوانی مستقل در نظام حقوقی ایران تصریح نشده است؛ اما تحلیل هنجاری قوانین و اسناد سیاستی موجود نشان می‌دهد که ظرفیت‌های قابل‌توجهی برای شناسایی ضمنی و تدریجی این حق، به‌ویژه در ارتباط با کودکان، وجود دارد (شفیعی و صلح‌چی، ۱۳۹۹، ص. ۶۱). این ظرفیت‌ها عمدتاً از دل قواعد حمایتی ناظر بر حریم خصوصی، حیثیت انسانی، سلامت روان و منافع عالیه کودک قابل استنباط است. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، به‌عنوان مهم‌ترین سند حمایتی حقوق کودک در حقوق داخلی ایران، مبنای هنجاری مهمی برای تحلیل حق بر فراموش شدن کودکان فراهم می‌آورد. مطابق ماده ۲ این قانون، هرگونه فعل یا ترک فعلی که موجب وارد آمدن آسیب به سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا حیثیتی کودک شود، ممنوع و قابل تعقیب کیفری است. استمرار دسترسی عمومی به داده‌ها، تصاویر یا محتوای دیجیتال مرتبط با دوران کودکی به‌ویژه زمانی که این محتوا واجد ماهیت تحقیرآمیز، خشونت‌بار یا آسیب‌زا باشد می‌تواند مصداقی از «آسیب حیثیتی و روانی» تلقی شود؛ آسیبی که آثار آن ممکن است تا بزرگسالی نیز تداوم یابد (قبولی درافشان و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۳). افزون‌براین، ماده ۹ قانون مزبور افشای اطلاعات و اسرار خصوصی اطفال و نوجوانان را ممنوع اعلام کرده و برای آن ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی نموده است. هرچند این ماده ناظر بر «افشا» است؛ اما با تفسیر موسع و منطبق با تحولات فضای دیجیتال، می‌توان تداوم انتشار یا امتناع از حذف داده‌های خصوصی کودک را نیز در زمره اشکال استمرار افشا دانست. از این‌منظر، حق کودک یا نماینده قانونی او برای درخواست حذف، محدودسازی یا غیرقابل‌دسترسی‌سازی داده‌های شخصی منتشرشده، می‌تواند به‌عنوان لازمه منطقی حمایت مؤثر از حریم خصوصی کودک درک شود. در کنار قوانین مصوب، اسناد سیاستی شورای عالی فضای مجازی نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به تعهدات دولت و پلتفرم‌ها در قبال کودکان ایفا می‌کنند. به‌ویژه «سند سیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی» (۱۴۰۰)، با تأکید بر ضرورت پیشگیری

از آسیب‌های روانی و اجتماعی، تکالیفی را برای تنظیم‌گران و ارائه‌دهندگان خدمات دیجیتال مقرر می‌دارد. این سند، سکوها را مکلف می‌کند سازوکارهای مؤثر برای مدیریت، حذف یا محدودسازی محتوای زیان‌بار مرتبط با کودکان فراهم آورند. هرچند در این سند نیز اصطلاح «حق بر فراموش شدن» به‌کار نرفته است؛ اما الزام به حذف یا محدودسازی محتوای مضر، به‌طور ضمنی بر شناسایی حق کودک در کنترل بر داده‌های دیجیتال خویش دلالت دارد. از منظر حقوق عمومی، هرچند اسناد شورای عالی فضای مجازی واجد ماهیت قانون به معنای اخص نیستند؛ اما به‌عنوان سیاست‌های کلان الزام‌آور، می‌توانند مبنای تفسیر موسع قوانین موجود و جهت‌دهی به رویه‌های اجرایی و قضائی قرار گیرند. در نتیجه، این اسناد نقش واسط میان تحولات فناورانه و اقتضائات حمایتی حقوق کودک را ایفا می‌کنند.

در سطح نظری، آموزه‌های حقوقی ارائه‌شده در ادبیات حقوق خصوصی و عمومی ایران نیز از امکان شناسایی حق بر فراموش شدن حمایت می‌کند. دکتر باقر انصاری، با تبیین مفهوم «حریم خصوصی اطلاعاتی»، کنترل فرد بر جمع‌آوری، پردازش و انتشار داده‌های شخصی را بخشی از کرامت انسانی و خودمختاری فردی می‌داند. به‌ویژه در مورد کودکان، که فاقد رضایت کامل و آگاهانه‌اند، استمرار گردش داده‌های شخصی می‌تواند به نقض مضاعف حریم خصوصی منجر شود (انصاری، ۱۳۹۶، صص. ۷۲-۷۴). این تحلیل نظری، زمینه لازم برای آن را فراهم می‌سازد که حق بر فراموش شدن کودکان نه به‌عنوان حقی وارداتی، بلکه به‌مثابه امتداد منطقی حمایت از کرامت و منافع عالیه کودک در حقوق داخلی ایران درک شود. در مجموع، هرچند حقوق ایران به‌صورت صریح از «حق بر فراموش شدن» نام نبرده است؛ اما مجموعه‌ای از قواعد قانونی، سیاستی و نظری، امکان شناسایی تدریجی و تفسیرپذیر این حق را - به‌ویژه در ارتباط با کودکان - فراهم می‌آورد. این ظرفیت‌ها می‌توانند مبنایی برای توسعه رویه‌های قضایی، تنظیم‌گری دیجیتال و اصلاحات تقنینی آینده با رویکرد کودک‌محور قرار گیرند.

۴. چالش‌های فنی و حقوقی در حذف داده‌ها

یکی از نخستین چالش‌ها در اجرای حق بر فراموش شدن، تعیین محدوده جغرافیایی اجرای

آن است. مسئله این است که آیا حذف داده‌ها باید صرفاً در قلمرو ملی یا منطقه‌ای خاص انجام شود، یا آنکه باید به صورت جهانی اعمال گردد؟ اگر داده‌ای در یک کشور حذف شود؛ اما در سرورهای کشور دیگر همچنان باقی بماند، عملاً فراموشی محقق نمی‌شود. این چالش، بیانگر تقابل میان صلاحیت‌های سرزمینی و ماهیت جهانی فضای مجازی است و نشان می‌دهد که حقوق ملی به تنهایی قادر به تحقق کامل این حق نیست. دومین چالش، مربوط به بازنشر داده‌ها و گردش مداوم آن‌ها در شبکه‌های غیرمتمرکز است. داده‌هایی که یک‌بار در شبکه‌ای منتشر می‌شوند، ممکن است در هزاران نسخه بازتولید، بایگانی یا به اشتراک گذاشته شوند؛ در نتیجه، حذف منبع اصلی تأثیری واقعی بر حذف محتوای بازنشرشده ندارد. در چنین مواردی، نیاز به نظام‌های فنی پیشرفته‌ای چون الگوریتم‌های ردیابی داده، شناسه‌های دیجیتال و سازوکارهای حذف خودکار احساس می‌شود؛ اما همین فناوری‌ها خود می‌توانند خطرهایی تازه برای حریم خصوصی ایجاد کنند. سومین چالش، تضاد میان حق بر فراموش شدن و آزادی مطبوعات است. حذف داده‌ها ممکن است با اصل دسترسی عمومی به اطلاعات یا حق جامعه برای دانستن در تعارض قرار گیرد. در نظام‌های دموکراتیک، آزادی رسانه‌ها به عنوان رکن شفافیت و پاسخ‌گویی دولت‌ها شناخته می‌شود، و از این رو، هرگونه محدودیت بر آن باید با معیارهای دقیق تناسب و ضرورت همراه باشد. در زمینه کودکان، این چالش دوچندان است؛ زیرا در حالی که باید از کودک در برابر آسیب‌های ناشی از انتشار اطلاعات محافظت کرد، در عین حال نباید اصل آزادی اطلاعات را به گونه‌ای محدود نمود که به سانسور یا پنهان‌سازی واقعیت‌های عمومی منجر شود. تعادل میان این دو حق، نیازمند تفسیر ظریف و متوازن بر پایه اصل منافع عالی کودک است. یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها در اجرای حق بر فراموش شدن، تقابل میان صلاحیت‌های ملی و ماهیت جهانی فضای دیجیتال است؛ داده‌ای که در یک کشور حذف شود، ممکن است در سرورهای سایر کشورها همچنان در دسترس باقی بماند و فراموشی واقعی محقق نشود. همچنین، گردش مداوم داده‌ها در شبکه‌های غیرمتمرکز و بازنشر آن‌ها، حذف محتوای اصلی را ناکافی می‌کند. برای رفع این چالش‌ها، پیشنهاد می‌شود چهارچوب‌های حقوقی فراملی و استانداردهای همکاری بین‌المللی تدوین شود تا شرکت‌های فناوری ملزم به رعایت دستورالعمل‌های جهانی حذف و محدودسازی

داده‌ها گردند. از منظر فنی، بهره‌گیری از سیستم‌های ردیابی داده، شناسه‌های دیجیتال یکتا، و سازوکارهای حذف خودکار می‌تواند اثرگذاری حذف را افزایش دهد، درحالی‌که طراحی این فناوری‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که حریم خصوصی و امنیت کاربران حفظ شود. هم‌زمان، تدوین دستورالعمل‌های قضائی مبتنی بر اصل منافع عالیه کودک امکان ایجاد تعادل میان حق بر فراموش شدن و آزادی مطبوعات را فراهم می‌آورد، به‌طوری‌که محدودسازی دسترسی تنها در موارد ضروری و متناسب اعمال شود. ترکیب این راهکارهای فنی و حقوقی، چهارچوبی عملی و مستدل برای اجرای واقعی حق بر فراموش شدن فراهم می‌کند و می‌تواند به‌ویژه در حفاظت از داده‌های کودکان مؤثر باشد.

۴-۱. چالش‌های فرهنگی و اجتماعی

فراتر از موانع فنی و حقوقی، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق یا ناکامی حق بر فراموش شدن دارند. تفاوت میان نظام‌های ارزشی در مناطق مختلف جهان، از جمله اروپا، آمریکا و آسیا، در درک مفاهیمی چون حریم خصوصی، آزادی بیان و کرامت فردی تأثیر مستقیم دارد. در اروپا، سنت دیرینه‌ای از حمایت از داده‌های شخصی و احترام به کرامت انسانی وجود دارد، درحالی‌که در ایالات متحده، آزادی بیان و منافع بازار اولویت بیشتری یافته است. در برخی کشورهای آسیایی نیز، ساختارهای جمع‌گرایانه و نظارت‌محور، به‌گونه‌ای متفاوت با مفهوم فراموشی برخورد می‌کنند.

در این میان، خانواده و به‌ویژه والدین نقشی بنیادین در شکل‌دهی به فرهنگ حفاظت از داده‌های کودکان دارند. والدین نه‌تنها نخستین نگهبانان حریم خصوصی فرزندان خودند بلکه در بسیاری موارد، خود عامل نقض این حریم از طریق اشتراک‌گذاری بی‌رویه تصاویر و اطلاعات خصوصی‌اند. از این رو، مسئولیت اخلاقی والدین در تربیت دیجیتال فرزندان و کنترل خودآگاهانه حضور آنان در فضای مجازی، نقشی هم‌سنگ با مسئولیت قانونی دارد. آموزش دیجیتال نیز یکی از مؤلفه‌های مغفول اما حیاتی در کاهش آسیب‌های ناشی از نقض حق بر فراموش شدن است. آگاهی‌بخشی به کودکان درباره مخاطرات فضای مجازی، آموزش والدین در زمینه مدیریت داده‌ها، و ارتقای سواد رسانه‌ای معلمان و نهادهای

آموزشی، می‌تواند نقش پیشگیرانه‌ای ایفا کند. حق بر فراموش شدن، درنهایت، نه فقط یک حق قانونی، بلکه یک فرهنگ است؛ فرهنگی که باید از خانواده تا نظام آموزشی و رسانه‌ها درونی شود. برای مواجهه با این چالش‌ها، پیشنهاد می‌شود راهکارهای چندلایه‌ای اتخاذ شود؛ به‌عنوان مثال، تدوین راهنماهای تطبیقی فرهنگی و حقوقی که ضمن احترام به تفاوت‌های منطقه‌ای، اصول جهانی حفاظت از داده‌های کودکان را تثبیت کند؛ طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی برای والدین و مراقبان به منظور مدیریت آگاهانه حضور کودکان در فضای مجازی و ارتقای مسئولیت اخلاقی آنها؛ تقویت سواد دیجیتال و رسانه‌ای کودکان، معلمان و نهادهای آموزشی به‌عنوان ابزار پیشگیرانه؛ و ایجاد سازوکارهای نظارتی و حمایتی در سطح مدارس و مؤسسات آموزشی تا فرهنگ حفاظت از داده‌ها از خانواده تا نهادهای آموزشی و رسانه‌ها نهادینه شود. ترکیب این راهکارها می‌تواند تحقق حق بر فراموش شدن را در ابعاد فرهنگی و اجتماعی به‌صورت جامع و مستمر تضمین کند.

۴-۲. سیاست‌ها و راهکارهای پیشنهادی برای حمایت از کودکان در عصر

دیجیتال

تحقق حق بر فراموش شدن برای کودکان، صرفاً با تصویب یک قاعده حقوقی یا اعمال یک تصمیم اداری ممکن نیست بلکه نیازمند بازاندیشی جامع در سطوح قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، اجرا و فرهنگ عمومی است. در جهانی که داده‌ها با سرعتی فراتر از درک انسانی تولید و بازنشر می‌شوند، کودک بیش از هر زمان دیگر در معرض تهدیدهایی قرار دارد که مستقیماً با کرامت انسانی و حق او بر آینده‌ای آزاد از گذشته دیجیتال گره خورده است. از این‌رو، سیاست‌گذاری در این حوزه باید چندلایه، هماهنگ، مستند به اصول حقوق بین‌الملل کودک و برآمده از فهم دقیق روان‌شناختی و اجتماعی دوران کودکی باشد (سیدناصری و شاه‌محمدی، ۱۴۰۱، ص. ۱۵۹).

نخستین گام در این مسیر، بازنگری بنیادین در قوانین ملی مرتبط با داده‌های کودکان است. بیش‌تر نظام‌های حقوقی، هنوز تعریف جامع و روشنی از «داده‌های کودک»^{۲۰}، حدود

رضایت والدین، و شرایط حذف اطلاعات ندارند. فقدان این تعریف موجب سردرگمی در اجرا و تضعیف ضمانت‌های حقوقی شده است. لازم است قانون‌گذار، داده‌های مربوط به هویت، سلامت، آموزش، رفتار و تصویر کودکان را در قالبی مشخص تعریف کند و برای هر مرحله از رشد کودک، سطحی از رضایت و تصمیم‌گیری مستقل را به رسمیت بشناسد. این امر باید با همکاری کارشناسان حقوق کودک، روان‌شناسان رشد و متخصصان فناوری صورت گیرد و امکان بازنگری دوره‌ای آن نیز پیش‌بینی شود تا متناسب با تحولات فناورانه و اجتماعی به‌روزرسانی گردد.

در گام دوم، باید اصل محدودیت زمانی برای اعتبار رضایت والدین به‌طور صریح در قوانین ملی درج شود. رضایت والدین، هرچند در دوره کودکی ضروری است، نباید مطلق یا بی‌پایان تلقی شود. پس از گذشت دوره‌ای معین، یا با رسیدن فرد به سن بلوغ عقلی و حقوقی مرحله‌ای که شخص قادر به اتخاذ تصمیمات مستقل و آگاهانه در زمینه داده‌های خود است، حق حذف و کنترل داده‌ها باید مستقیماً به خود فرد منتقل گردد. این سازوکار از بهره‌برداری والدین یا اشخاص ثالث با انگیزه‌های اقتصادی، تبلیغاتی یا رسانه‌ای از تصاویر و اطلاعات کودک جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب، رضایت والدین نباید به ابزاری برای نقض منافع عالی‌ه کودکی تبدیل شود بلکه باید صرفاً مرحله‌ای موقت و حمایتی در حفاظت از حقوق کودک باشد.

سوم، تحقق حق بر فراموش شدن مستلزم ایجاد «حق بر پاک‌سازی دیجیتال کودکان» است؛ حقی که فراتر از حذف داده‌ها عمل می‌کند و به معنای فراهم آوردن امکان آغاز دوباره برای هر کودک است. این حق باید در قالب ماده‌ای مستقل و با معیارهای روشن در قوانین ملی تثبیت گردد. برای اجرای آن نیز پیشنهاد می‌شود رویه قضائی سنجش‌محور طراحی شود که معیارهایی مانند سن کودک در زمان انتشار داده، نوع زیان، نیت منتشرکننده، گذشت زمان، و وجود یا عدم وجود منافع عمومی را بسنجد. در تمام این موارد، اصل تفسیر به نفع کودک باید محور تصمیم‌گیری باشد.

در کنار اصلاحات قانونی، ایجاد نهادهای مستقل و تخصصی برای حمایت دیجیتال از کودکان ضروری است. تشکیل مراکزی با استقلال اداری و فنی که بتوانند نقش میانجی

میان کودک، والدین و سکویهای دیجیتال را ایفا کنند، می‌تواند بسیاری از چالش‌های اجرایی را حل نماید. این نهادها باید صلاحیت صدور تصمیم‌های الزام‌آور، ارائه مشاوره حقوقی رایگان، و پیگیری شکایات مربوط به نقض حریم خصوصی کودکان را داشته باشند. افزون‌براین، در موارد فوری باید بتوانند ظرف ۴۸ تا ۷۲ ساعت دستور موقت حذف داده‌ها را صادر کنند. مسئولیت شرکت‌ها و سکویهای فناوری نیز باید به‌روشنی تعریف شود. این شرکت‌ها باید به وظایف امانت‌داری داده‌های کودکان متعهد شوند و اصولی همچون حداقلی‌سازی داده، حذف خودکار پس از دوره‌ای مشخص، طراحی با محوریت حریم خصوصی، و انجام ارزیابی اثرهای حقوقی بر کودکان پیش از عرضه خدمات را رعایت کنند. همچنین، نقض این تکالیف باید موجب تحریم‌های مالی، محدودیت‌های اداری و محرومیت از مجوز فعالیت شود. در این راستا، بهره‌گیری از الگوی مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها در اروپا می‌تواند الهام‌بخش باشد؛ البته با بومی‌سازی متناسب با فرهنگ و ساختار حقوقی هر کشور.

از منظر فنی نیز، تحقق حق بر فراموش شدن بدون هماهنگی میان ابزارهای فناوری و سازوکارهای حقوقی ممکن نیست. باید استانداردهایی جهانی و بین‌پلتفرمی برای نشانه‌گذاری محتواهای مربوط به کودکان، استفاده از شناسه‌های امن برای اثبات مالکیت داده‌ها، و شناسایی نسخه‌های بازنشر شده تدوین شود. طراحی سیستم‌های حذف خودکار یا «توکن حذف» که در سطح بین‌المللی قابل‌پذیرش باشد، می‌تواند فرایند حذف داده‌ها را کارآمدتر و فرامرزی‌تر سازد.

از سوی دیگر، ماهیت جهانی فضای مجازی ایجاب می‌کند که همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه تقویت شود. کشورها باید از طریق موافقت‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه، زمینه همکاری قضائی و اداری را برای اجرای تصمیمات حذف داده فراهم آورند. پیشنهاد تشکیل «شبکه بین‌المللی حمایت دیجیتال از کودکان» می‌تواند بستری برای تبادل تجربه و اجرای فوری تصمیمات در سطح جهانی باشد. در مواردی که انتشار داده‌ها سبب زیان روانی، اجتماعی یا اقتصادی برای کودک شده، نظام جبرانی و ترمیمی چندوجهی باید در نظر گرفته شود. این نظام می‌تواند شامل جبران مالی، حذف فوری داده‌ها، ارائه خدمات

روان‌شناختی و آموزشی، و در موارد بهره‌کشی اقتصادی، اختصاص بخشی از منافع به حساب امانی کودک باشد. هدف از این تدابیر، بازسازی اعتماد و کرامت کودک است، نه صرفاً پاک‌سازی داده‌ها. بعد فرهنگی و آموزشی این موضوع نیز اهمیت بنیادین دارد. افزایش سواد دیجیتال و آگاهی عمومی نسبت به خطرهای انتشار بی‌رویه داده‌های کودکان باید در دستور کار نظام آموزشی قرار گیرد. آموزش حقوق دیجیتال، آگاه‌سازی والدین، و تربیت قضات و کارشناسان اداری در زمینه آسیب‌های فضای مجازی می‌تواند مانع از تکرار خطاها و پیشگیری مؤثری در سطح جامعه باشد.

در نهایت، تحقق کامل این اهداف نیازمند تدوین یک دستورالعمل (پروتکل) الحاقی به مقاله‌نامه حقوق کودک درباره حمایت از هویت دیجیتال کودکان است. این دستورالعمل می‌تواند نخستین سند بین‌المللی باشد که به‌طور جامع، اصول، حقوق و تعهدات مرتبط با داده‌های کودکان را مشخص می‌کند. در سطح منطقه‌ای نیز، شوراهای منطقه‌ای مانند شورای اروپا می‌توانند دستورالعمل‌های الزام‌آوری در این زمینه تصویب نمایند تا از تشتت حقوقی جلوگیری شود. تمامی این راهکارها باید در چهارچوب یک نظام نظارتی شفاف و قابل‌پایش اجرا شوند. تدوین شاخص‌های عملکرد ملی و بین‌المللی مانند تعداد درخواست‌های حذف موفق، مدت زمان رسیدگی، و میزان رضایت متقاضیان، می‌تواند ابزار مهمی برای ارزیابی سیاست‌ها و بهبود مستمر آن‌ها باشد. در پایان باید گفت که سیاست‌گذاری در حوزه حق بر فراموش شدن کودکان، تنها به‌معنای حذف داده‌ها نیست بلکه تلاشی برای بازگرداندن کرامت انسانی به عرصه دیجیتال است. زمانی می‌توان از تحقق واقعی این حق سخن گفت که هر کودک بتواند بدون ترس از گذشته دیجیتال خود، آینده‌ای تازه و آزاد بسازد. این امر نه صرفاً یک ضرورت فنی یا حقوقی، بلکه تجلی عدالت نسلی و اخلاق انسانی در عصر بی‌پایان داده‌هاست.

نتیجه‌گیری

تحلیل جامع مبانی نظری، رأی تاریخی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، و پیامدهای آن برای کودکان در فضای دیجیتال نشان می‌دهد که «حق بر فراموش شدن» صرفاً یک مفهوم فنی در حذف داده‌ها نیست بلکه بازتابی عمیق از تحول انسان‌محور حقوق در عصر

داده‌محور است. این حق، تلاشی است برای بازگرداندن کنترل بر زمان و حافظه به انسان، به‌ویژه کودک، در جهانی که فراموشی در آن به کالایی کمیاب و حتی غیرممکن بدل شده است. در این چهارچوب، کرامت انسانی به‌عنوان بنیان تمام نظام‌های حقوق بشری دوباره به مرکز گفت‌وگوی حقوق دیجیتال بازمی‌گردد. از رهگذر بررسی تاریخی، می‌توان دریافت که حق بر فراموش شدن ادامه منطقی مسیر تکامل حقوق حریم خصوصی است؛ مسیری که از حق بر خلوت در قرن نوزدهم آغاز شد و اکنون به حق بر بازپس‌گیری داده‌های شخصی در قرن بیست‌ویکم انجامیده است. رأی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا علیه گوگل، نقطه عطفی در این مسیر بود که برای نخستین‌بار، حافظه فناورانه را در برابر کرامت انسانی به چالش کشید. این رأی نشان داد که فناوری، هرچند ابزار قدرت است، نمی‌تواند از مرزهای اخلاقی و انسانی فراتر رود. با این حال، همان‌گونه که تحلیل‌ها نشان دادند، این رأی تنها آغاز راه است و تحقق واقعی حق بر فراموش شدن در گرو گسترش آن به حوزه‌هایی فراتر از بزرگسالان و داده‌های تجاری است؛ حوزه‌ای که کودکان در آن آسیب‌پذیرترین و در عین حال خاموش‌ترین کنشگران‌اند.

پیوند میان کرامت انسانی و حق کودک بر آینده‌ای عاری از گذشته دیجیتال، در حقیقت لبّ پیام این پژوهش است. کودک، موجودی در حال رشد است و کرامت او نه در ثبات گذشته، بلکه در امکان دگرگونی آینده نهفته است. اگر داده‌های دوران کودکی، اشتباهات یا رفتارهای ناآگاهانه در حافظه بی‌پایان شبکه باقی بمانند، این حق بنیادین بر تحول و خودسازی نقض می‌شود. فراموش شدن، برای کودک، نه حذف حافظه، بلکه حق آغاز دوباره است؛ حقی که جوهره آن توانایی بازتعریف خود در جهانی است که هویت انسانی را با داده می‌سنجد؛ بنابراین، حق بر فراموش شدن، در زمینه کودکان، به حق بر «آینده» ترجمه می‌شود: آینده‌ای آزاد از قید گذشته دیجیتال. تحولات فناورانه، مرزهای کلاسیک حقوق بین‌الملل کودک را به چالش کشیده‌اند. نظام حقوقی که زمانی بر مفاهیم ملموس حریم خصوصی، آموزش، یا بقا متمرکز بود، اکنون باید به ابعاد دیجیتال این مفاهیم بیندیشد. مقاله‌نامه حقوق کودک، هرچند در ماده ۱۶ به حق بر حریم خصوصی اشاره کرده است؛ اما در زمان تصویب آن، جهان هنوز با واقعیت‌های پیچیده داده‌های کلان،

هوش مصنوعی و فضای مجازی روبه‌رو نبود. از این‌رو، ضروری است که جامعه جهانی، با نگاهی آینده‌نگر و مبتنی بر اصول عدالت دیجیتال، به بازنگری در نظام حقوقی بین‌الملل کودک بپردازد و حق بر فراموش شدن را به‌عنوان یکی از ارکان نوین حمایت از کودکان در عصر فناوری به رسمیت بشناسد. در این راستا، پیشنهاد تدوین یک دستورالعمل الحاقی به مقاله‌نامه حقوق کودک درباره «حمایت از هویت دیجیتال کودکان» می‌تواند پاسخی ساختاری و منسجم به این چالش‌ها باشد. این دستورالعمل می‌تواند اصولی چون حق بر حذف داده، رضایت آگاهانه، محدودیت در جمع‌آوری اطلاعات، نظارت مستقل، و حق بر بازسازی هویت دیجیتال را در چهارچوبی الزام‌آور سامان دهد. چنین سندی، علاوه بر ارتقای استانداردهای جهانی حمایت از کودکان، می‌تواند الگویی برای سایر نهادهای بین‌المللی در جهت تنظیم روابط انسانی و فناورانه در قرن جدید باشد.

در نهایت، پیام بنیادین این پژوهش آن است که «حق بر فراموش شدن» نه نفی حافظه جمعی است و نه دعوت به سانسور؛ بلکه یادآوری این حقیقت است که کرامت انسان در امکان انتخاب آن‌چیزی است که می‌خواهد از خود به یادگار بگذارد. در جهانی که حافظه دیجیتال پایان ندارد و هر کلیک می‌تواند ردپایی جاودان بر جای گذارد، حق بر فراموش شدن، به‌ویژه برای کودک، به معنای بازگرداندن اختیار و عزت انسانی است. این حق، پایان حافظه نیست بلکه آغاز کرامت است در عصری که داده‌ها پایان‌ناپذیرند.

منابع

- اسلامی، رضا و فیضی، فریناز (۱۳۹۵). حق بر فراموش شدن و چالش‌های پیش‌روی آن. *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۰(۹۴): ۱۳-۴۷.
- انصاری، باقر (۱۴۰۰). حق بر حریم خصوصی. تهران: نشر سمت.
- خوبیاری، حامد (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی و انتقادی حق بر فراموش شدن در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق ایران. *فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی*، ۷(۲۳): ۱۲۷-۱۵۲.
- سلامی، ش.؛ زارع اسفیدانی، ز.؛ حسنی، س. و معتمدنژاد، ر. (۱۴۰۱). حق بر سلامت روان کودکان در فضای مجازی در پرتو نظام حقوقی ایران، اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق

- بشر. پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۲۳(۱)، ۱۶۰-۱۳۱.
- سیدناصری، م.م. (۱۴۰۲). تأملی بر نقش دولت‌ها و نهاد خانواده در تضمین و حمایت از حقوق کودکان در فضای مجازی از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر. فصلنامه حقوق کودک، ۵(۱۹)، ۳۱-۴۶.
- سیدناصری، م.م. و شاه‌محمدی، ط. (۱۴۰۱). بررسی حقوق کودکان در محیط دیجیتال. مطالعات فقه و حقوق رسانه، ۴(بهار و تابستان)، ۱۶۴-۱۳۷.
- شفیعی، آرمینا، و صلح‌چی، سارا (۱۳۹۹). چالش‌های حریم خصوصی کودک در فضای مجازی؛ تأملی در حریم خصوصی کودک در فضای مجازی و کنش‌گری آن با فقر. مطالعات فقه و حقوق رسانه، ۲(بهار و تابستان)، ۷۷-۵۳.
- شهسواری، احسان و حسنی، سحر (۱۴۰۳). حمایت از کودکان در فضای دیجیتال در پرتو تفسیر عمومی شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۴(۲)، ۱۰۲۳-۱۰۰۱.
- غلامی، نبی‌اله و موذن‌زادگان، حسن‌علی (۱۳۹۶). حق بر فراموش‌شدن؛ از مفهوم‌شناسی تا چالش‌های فراروی آن. حقوق اسلامی، ۱۴(۵۴)، ۳۳-۵۹.
- غنی‌زاده بافقی، م.، و رضوانی، س. (۱۴۰۲). راهبردهای حمایت از حقوق کودکان در محیط دیجیتال. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۶(۱۰۴)، ۲۹۱-۲۶۹.
- فرامرزیانی، پروانه؛ انصاری، باقر؛ سلطانی‌فر، محمد و مظفری، افسانه. (۱۴۰۱). شناسایی و ارزیابی راهکارهای حمایت از حریم خصوصی کودکان در فضای مجازی. فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۲۳(۵۹)، ۱۷۱-۱۵۱.
- قبولی درافشان، سیدمحمدهادی؛ بختیاروند، مصطفی و آقامحمدی، اکرم (۱۳۹۷). حق فراموش شدن در ترازو: نیاز ناشی از فضای مجازی یا تهدیدی برای آزادی بیان؟! پژوهش حقوق عمومی، ۱۹(۵۸)، ۱۱۳-۱۳۵.
- قبولی درافشان، سیدمحمدهادی؛ بختیاروند، مصطفی و تدین سعدی، مهسا (۱۴۰۰). کودکان در محاصره اسباب‌بازی‌های هوشمند: حمایت از حریم خصوصی کودکان در اینترنت اسباب‌بازی‌ها. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۵(۱)، ۱۴۱-۱۱۵.

- نیک‌بین، م. و رثوفی، ا. (۱۴۰۴). حفاظت از حقوق کودک در فضای سایبر از منظر نظام ملل متحد و حقوق ایران. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۵۵(۱)، ۷۱۸-۶۹۷.
- Agarwala, N. (2025). *Children's privacy and the ghost of social media past*. *Columbia Human Rights Law Review*, 56(1), 330-.
- Council of Europe. (2021). *Recommendation on the rights of the child in the digital environment*. Council of Europe.
- European Union Agency for Fundamental Rights. (2022). *Children's rights in the digital environment: Fundamentals for good policy making*. EUR-LEX.
- Goldsteen, A., Douek, T., Cohen, Y., Gokhman, I., Keren-Ackerman, O., Katsovich, G., Weintraub, G., & Ben-Ari, D. (2019). Forgotten @ scale: A practical solution for implementing the right to be forgotten in large-scale systems. *arXiv preprint*.
- Kadastik, M. (2021). Child right to privacy and social media – personal information oversharing parents. *Baltic Journal of Law & Politics*, 14(2), 103-.
- Kamarinou, D., Millard, C., Singh, J., & Treseler, R. (2023). Children's privacy in the digital age: US and UK experiences and policy responses. In *Children's privacy in the digital age: US and UK experiences and policy responses* (pp. 67-84). Springer.
- Kardefelt-Winther, D. (2020). *Health, privacy and trust in a digital world*. UNICEF UK.
- Livingstone, S., & Third, A. (2017). *The state of the world's children 2017: Children in a digital world*. UNICEF.
- Livingstone, S., Stoilova, M., & Nandagiri, R. (2018). *Children's data and privacy online: An evidence review*. London School of Economics.
- OECD. (2022). *The state of digital youth: Youth and data in a digital world*. OECD Publishing.
- Palfrey, J., & Gasser, U. (2024). Towards a digital bill of rights for children: Frameworks and governance. *Journal of Internet Policy*, 8(1), 4-.
- Powell, J. (2021). A child's right to be forgotten: Letting go of the past and looking to the future. *Law & Internet Journal*, 24(3), 186-.
- Seyed Nasser, M. M. (2025, August 28). *General Comment No. 27 of the Committee on the Rights of the Child and the transformation of the concept of child-centred justice*. *Opinio Juris*. <https://opiniojuris.org/2025/08/28/general-comment-no-27-of-the-committee-on-the-rights-of-the-child-and-the-transformation-of-the-concept-of-child-centered-justice/>
- Seyed Nasser, M. M. (2025, October 15). *From Google Spain to Gen Alpha: The right to be forgotten and the digital protection of children under international law*. *Opinio Juris*. <https://opiniojuris.org/2025/10/15/from-google-spain-to-gen-alpha-the-right-to-be-forgotten-and-the-digital-protection-of-children-under-international-law/>
- UNESCO/OECD. (2023). *Children's data and algorithmic systems – Governance challenges*. [Working paper].
- UNICEF. (2020). Kardefelt-Winther, D., Day, E., Berman, G., Witting, S. K., & Bose, A. *Encryption, privacy, and children's right to protection from harm*. *Innocenti Working Paper WP-2020-14*. UNICEF Office of Research – Innocenti.
- UNICEF. (2021). *Digital age assurance tools and children's rights online across the globe: A discussion paper*. UNICEF.
- UNICEF. (2022). *Digital technologies, child rights and well-being: Policy brief 4*. UNICEF.
- UNICEF. (2023). *Best interests of the child in relation to the digital environment*. UNICEF Innocenti.
- UNICEF. (2023). *Protecting young digital citizens*. UNICEF Innocenti.
- UNICEF. (2024, April). *Child and youth safety online – United Nations*. United Nations.
- UNICEF. (2024, April). *Child rights impact assessments in relation to the digital business*

activities. UNICEF.

UNICEF. (2024, November). *Children's rights in the digital age (German edition)*. UNICEF.

Vilella, S., & Ruffo, G. (2025). (De)-Indexing and the right to be forgotten. *arXiv preprint*.

Yates, G. (2023). Protecting children by limiting the right to profit from "sharenting". *Vanderbilt University Research Paper*.